



«ایران» زمینه‌ها و اهداف سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به عراق و لبنان را بررسی می‌کند

مدیریت تنش در غرب آسیا

گزارش

رضا عدالتی پور
گروه دیپلماسی

علی لاریجانی در نخستین روزهای مأموریت تازه‌اش در قامت دبیر شورای عالی امنیت ملی، بغداد و لبنان را به عنوان مقصد سفر خود انتخاب کرد تا گامی هدفمند برای بازتعریف موازنه‌های امنیتی و سیاسی در غرب آسیا بردارد؛ سفری که از بغداد آغاز شده و قرار است به سواحل مدیترانه و بیروت برسد تا دو نقطه حساس و پرچالش جهان عرب را در یک قصاب دیپلماتیک به هم پیوند دهد.

بغداد در این سفر، صحنه نخست دیدارهای متعدد لاریجانی بود. او در دیدارهای فشرده با رئیس جمهوری، نخست‌وزیر و مشاور امنیت ملی عراق به گفت‌وگو نشست و در حضور نخست‌وزیر این کشور تقاهم‌نامه امنیت مرزی را با قاسم الاعرجی به امضا رساند؛ سندی که برآمده از نیاز مبرم دو کشور برای مهار تهدیدهای مشترک، بستن منافذ رخنه‌پذیری و مقابله با جریان‌های تجزیه‌طلب و تروریستی بود که سال‌هاست در شکاف‌های ژئوپلیتیک این منطقه لانه کرده‌اند. توافقی تازه‌ای که در بغداد بر آن تأکید شد، بر پایه توافقنامه‌ای شکل گرفته است که پیش‌تر با هدف تأمین امنیت مرزی به اجرا درآمده و خلع سلاح و انتقال اردوگاه‌های جریان‌های مخالف جمهوری

اسلامی از نوار مرزی را شامل می‌شد؛ توافقی که اجرای کامل و بی‌نقص آن از دید تهران ضرورتی برای جلوگیری از بازتولید تهدید است. در همین راستا انتخاب عراق به‌عنوان نخستین مقصد سفر خارجی لاریجانی معنای آشکار پیدا می‌کند؛ اینکه پیوندهای تاریخی، مذهبی، فرهنگی و اعتقادی دو ملت در کنار ضرورت‌های امنیتی و فشارهای بین‌المللی این رابطه را به نقطه‌ای رسانده که تعمیق و گسترش آن، بخشی جدانشدنی از راهبرد منطقه‌ای ایران شده است.

سایه چالش بر مناسبات تهران-بغداد
با این حال سایه تهدید همچنان بر روابط دو طرف سنگینی می‌کند. حضور

نظامیان آمریکایی در عراق، تحرک پراکنده هسته‌های تروریستی و تجربه مداخلات مستقیم و غیرمستقیم واشنگتن در تجهیز این گروه‌ها تصویری روشن از این واقعیت می‌سازد که امنیت تهران و بغداد همواره در معرض پروژه‌هایی است که هدف‌شان بی‌ثبات‌سازی و تضعیف توان دفاعی منطقه است. غرب و به ویژه آمریکا همزمان با حمایت از تروریسم در مسیر محدود کردن قدرت بازدارندگی کشورها گام برداشته و اقداماتی را از بمباران سامانه‌های پدافندی عراق گرفته تا فشارهای آشکار و پنهان برای خلع سلاح نیروهای مردمی و حتی کشودن جبهه‌های بحران تازه در مناطقی چون سوریه و خلیج فارس در دستور کار قرار داده‌اند.

سفر لاریجانی؛ نقطه عطف در مسیر تقویت سیاست‌های امنیتی

سفر علی لاریجانی به عراق و لبنان را می‌توان نقطه عطف مهمی در مسیر تقویت سیاست‌های امنیتی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران پس از تحولات اخیر منطقه دانست. این سفر در شرایطی صورت گرفت که منطقه، بویژه پس از جنگ تحمیلی ۱۳ روزه، در وضعیتی به‌شدت پر تنش و حساس از نظر امنیتی قرار دارد و نیاز به مدیریت هوشمندانه و همکاری‌های منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. انتخاب دکتر لاریجانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، اقدامی مدبرانه و هوشمندانه بود؛ زیرا ایشان، علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی، چهره‌ای شناخته‌شده در میان سیاستمداران منطقه و جهان بوده و از اعتبار و احترام گسترده‌ای نزد مقامات عراق برخوردار است. آغاز این سفر که اولین سفر خارجی دکتر لاریجانی در سمت جدیدش محسوب می‌شود، از بغداد، حامل پیامی آشکار درباره اهمیت راهبردی عراق در سیاست خارجی ایران است. این سفر در چهارچوب رابطنی‌های مسیحیان و اهل سنت، بازگیران منطقه مهم عرصه سیاسی این کشور هستند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران به واسطه روابط دیرینه و خاص با طایفه شیعه لبنان و بویژه حزب‌الله، نقش کلیدی در حفظ ثبات و امنیت این کشور دارد.

فرصتی برای مدیریت روابط تهران و بیروت

لبنان، کشوری با ساختار سیاسی و اجتماعی پیچیده و شرایط ویژه، این روزها در تقابل با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای قرار دارد که فراتر از مسائل داخلی، بر امنیت و ثبات منطقه تأثیرگذار است. دولت لبنان به رغم وجود ساختار رسمی، از جایگاه ضعیفی برخوردار است و شبکه‌های طایفه‌ای و قدرتی قوی بویژه در میان شیعیان، مسیحیان و اهل سنت، بازگیران منطقه مهم عرصه سیاسی این کشور هستند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران به واسطه روابط دیرینه و خاص با طایفه شیعه لبنان و بویژه حزب‌الله، نقش کلیدی در حفظ ثبات و امنیت این کشور دارد.

سفر اخیر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی به لبنان در این چهارچوب قابل تفسیر است؛ سفری که هدف اصلی‌اش مدیریت روابط سیاسی و دیپلماتیک میان ایران و لبنان، جلوگیری از افزایش تنش‌ها و حفظ ثبات این کشور مهم منطقه‌ای است. لبنان امروز با پرورنده‌های حساسی مانند ادامه اشغالگری و حملات رژیم صهیونیستی، حضور و قدرت حزب‌الله به عنوان محور مقاومت و تلاش برخی جریان‌های سیاسی داخلی برای خلع سلاح مقاومت مواجه است که این مسائل در تعارض با منافع امنیتی و ملی ایران قرار دارد. موضوع حضور رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان و نقش آشکار حاکمیت لبنان، یکی از دغدغه‌های اصلی است که باعث شده شیعیان این منطقه نگاه ویژه‌ای به مقاومت داشته باشند. در مقابل، بازگیران منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش دارند با حمایت از بخشی از ساختار سیاسی لبنان که هم‌اکنون در قدرت است، حزب‌الله را تحت فشار قرار داده و آن را خلع سلاح کنند. این موضوع بویژه از سوی دولت جدید لبنان و وزرای وابسته به جریان‌های مخالف حزب‌الله دنبال می‌شود که با وجود اعلام بحث «خلع سلاح» به عنوان موضوع داخلی لبنان، عملاً این امر ابرازی برای فشارهای خارجی شده است.

ایران با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی لبنان و احترام به حاکمیت ملی این کشور، همواره معتقد بوده که حل مسائل سیاسی لبنان باید بر اساس قواعد و منافع داخلی لبنان صورت گیرد. جمهوری اسلامی ایران به گروه‌های مقاومت لبنانی بویژه حزب‌الله به عنوان بازگیران عقلانی و مسئولیت‌پذیر اعتماد دارد و از مداخله مستقیم در مسائل داخلی



سید موسی
علیرضا طباطبائی
رئیس اداره
خلیج فارس وزارت
امور خارجه

یادداشت

جمهوری اسلامی دارد. بغداد، پس از تجاوزات رژیم صهیونیستی به خاک ایران و نقض حریم هوایی آن، مواضعی صریح و حمایتی در سطوح مختلف دولت، پارلمان و جریان‌های سیاسی و مردمی اتخاذ کرد که بیانگر همکاری عمیق دو ملت در برابر تهدیدات خارجی است. نخست‌وزیر عراق، محمد شیاع السودانی، طی سال‌های اخیر به طور پیوسته از رویکرد دیپلماتیک ایران در تعامل با کشورهای منطقه و فرمانطقه حمایت کرده است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر، امضای یادداشت تقاهم امنیتی میان ایران و عراق بود که در آن به صراحت تأکید شد هیچ‌یک از طرفین اجازه نخواهد داد از قلمرو کشورش علیه دیگری استفاده شود. این توافق نتنها تعهد عمیق دو کشور به امنیت مشترک را نشان می‌دهد، بلکه به منزله ضمانتی محکم در برابر مداخلات بی‌ثبات‌کننده و تهدیدات منطقه‌ای است. این بند، بیانگر عزم تهران و بغداد برای جلوگیری از هر گونه اقدام تنش‌زا و حفظ ثبات منطقه‌ای است.

یکی دیگر از محورهای کلیدی این سفر، همکاری دو کشور در مقابله با حمایت‌های آشکار یا پنهان رژیم صهیونیستی و ایالات متحده از گروه‌های تروریستی منطقه بود. چنین همکاری‌هایی می‌تواند توازن قدرت در منطقه را به نفع ثبات و امنیت تغییر دهد و از گسترش بحران‌ها جلوگیری کند. در این چهارچوب، دو طرف بر ضرورت گسترش رابطنی‌های منطقه‌ای

در چنین فضایی سفر لاریجانی در دو محور اصلی ارزیابی می‌شود: نخست، تعهد به اجرای کامل توافقنامه امنیتی و تکمیل روند پاکسازی مرزها از حضور و نفوذ گروه‌های تروریستی؛ دوم، اعلام حمایت صریح از مصوبه پارلمان عراق برای اخراج نیروهای آمریکایی که پس از ترور شهید قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به‌عنوان نمادی از اراده ملی این کشور در بازپس‌گیری استقلال امنیتی خود شناخته می‌شود. اما ابعاد این سفر به مرزهای ایران و عراق محدود نمی‌ماند.

تهران و بغداد به عنوان دو بازیگر محوری غرب آسیا مأموریتی فراتر از مدیریت روابط دوجانبه را بر عهده دارند که در آن، تلاش برای مهار بحران‌ها و بازگرداندن ثبات به جغرافیایی که از قفقاز تا مدیترانه با آشوب، مداخله خارجی و فشارهای چندجانبه درگیر دیده می‌شود. در نگاه تهران، تشدید نسل‌کشی در غزه با حمایت آشکار آمریکا و همزمان فشار برای خلع سلاح نیروهای مقاومت در لبنان و عراق، بخشی از طرحی کلان برای بی‌دفاع ساختن منطقه در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی است؛ طرحی که بی‌ثباتی ساختاری در سوریه و تحریم‌های گسترده علیه کشورهای مستقل، تنها به پیچیدگی و عمق آن افزوده است.

ایران بر این باور است که دستیابی به ثبات پایدار، نیازمند وحدت منطقه‌ای و بهره‌گیری همزمان از همه ابزارهای مشروع از دیپلماسی فعال تا توان بازدارندگی نیروهای مقاومت است. این باور، نه تنها در موضع‌گیری‌های ایران علیه پروژه خلع سلاح حزب‌الله و حشد الشعبی بلکه در هندل‌های مکرر نسبت به نقش مخرب آمریکا در قفقاز نیز بازتاب یافته است.

پیام برای بیروت

لاریجانی پس از دیدارهای فشرده و امضای توافق‌های امنیتی در بغداد با پیام‌هایی برای مسئولان و چهره‌های بلندپایه لبنان راهی این کشور شده است. لبنان در شرایطی به استقبال فرستاده بلندپایه ایران رفته است که دولتش به تازگی طرحی را تصویب کرده که بر اساس آن، حزب‌الله باید تا پایان سال میلادی تسلیحات خود را به دولت مرکزی تحویل

دهد. این تصمیم نه اقدام صرفاً داخلی بلکه ادامه زنجیره‌ای از فشارهای آشکار و پنهان غربی به ویژه آمریکایی است که هدف آن، برچیدن آخرین سنگر دفاعی لبنان در برابر اسرائیل تلقی می‌شود. از نگاه منتقدان، چنین اقدامی می‌تواند لبنان را در مسیر سوریه‌ای شدن قرار دهد؛ وضعیتی که در آن، مرزهای جنوبی کشور به روی تجاوزات احتمالی تل‌آویو بی‌دفاع خواهد بود.

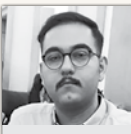
با این حال، حزب‌الله بی‌پرده اعلام کرده که نه به این طرح گردن خواهد نهاد و نه امکان عملی چنین خلع سلاحی وجود دارد. افکار عمومی لبنان نیز با همه اختلافات داخلی، تمایل چندانی به پذیرش این سیاست ندارد. ارتش لبنان که برخی انتظار داشتند نقش میانجی یا حتی عامل اجرایی طرح را ایفا کند، تا این لحظه عمداً از هرگونه تقابل با حزب‌الله پرهیز کرده است. همین سکوت عملی، این برداشت را تقویت می‌کند که دولت بیروت با ساختاری که تحت نفوذ غرب شکل گرفته فاقد اراده یا توان برای پیشبرد این طرح است. در چنین شرایطی موضع ایران بر حمایت قاطع از تمامیت سرزمینی، یکپارچگی ملی و حق دفاع مشروع لبنان استوار مانده است. تهران بارها اعلام کرده که دوستی‌اش با مردم لبنان یک اصل پایدار است و در برابر هرگونه تلاشی برای تضعیف جبهه مقاومت خواهد ایستاد.

از منظر ایران، حفظ استقلال لبنان و توانایی آن برای پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی نه یک موضع مقطعی بلکه بخشی از یک راهبرد کلان برای صیانت از امنیت منطقه‌ای است. بنابراین سفر لاریجانی به بیروت را باید در این بستر تفسیر کرد؛ حرکتی که فراتر از انتقال پیام‌های سیاسی تلاشی برای جلوگیری از باز شدن فضای لبنان بر روی ماشین جنگی اسرائیل است. این مأموریت، همان قدر که به آینده لبنان گره خورده با تحولات عراق، سوریه و حتی معادلات امنیتی خلیج فارس نیز پیوند دارد؛ چرا که در منطق تهران، امنیت منطقه تنها زمانی پایدار می‌ماند که زنجیره همکاری بین‌بازگیران از بصره تا بیروت همچنان به هم متصل بماند.

تمامیت ارضی و حق مشروع مردم لبنان برای دفاع از خود داشت. این سفر به خودی خود، موفقیتی مهم برای دیپلماسی ایران بود؛ بویژه که در زمانی انجام شد که مخالفان جمهوری اسلامی می‌کوشیدند چهره‌های منزوی از کشور ارائه دهند. حضور فعال و اثرگذار تهران در بغداد و بیروت، در آستانه بزرگ‌ترین گردهمایی مذهبی جهان یعنی اربعین حسینی، تصویری روشن از پیوندهای فرهنگی و مردمی عمیق میان ایران و همسایگانش ارائه کرد. این رویداد نه‌تنها اقتدار سیاسی و امنیتی ایران را به نمایش گذاشت، بلکه پیامی آشکار به جامعه بین‌المللی فرستاد مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی با تدبیر و توانمندی، از امنیت و منافع ملی و منطقه‌ای خود حراست می‌کند.

در مجموع، این سفر بیانگر عزم جدی ایران برای پیشبرد سیاست‌های امنیتی و مشارکتی در سطح منطقه، مقابله با تهدیدات خارجی و حمایت از ثبات سیاسی و امنیتی است؛ رویکردی که اهمیت و ضرورت آن در فضای پرچالش کنونی خاورمیانه بر کسی پوشیده نیست. در این میان، حشدالشعبی در عراق و حزب‌الله در لبنان، به‌عنوان بخش مهمی از بافت اجتماعی و سیاسی این کشورها، نقشی اساسی در حفظ امنیت و پیگیری منافع ملی ایفا می‌کنند و حمایت ایران از این جریان‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبرد کلان امنیتی و دیپلماتیک تهران در منطقه محسوب می‌شود.

پیام‌های حضور لاریجانی در بغداد



علی بیدو
کارشناس
مسائل عراق

انتخاب عراق به‌عنوان اولین مقصد سفر علی لاریجانی پس از انتصاب وی به سمت دبیر شورای عالی امنیت ملی واجد پیام‌های آشکار در حوزه سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای ایران است. این اقدام نشان می‌دهد که مدیریت پرورنده‌های کلیدی منطقه‌ای در مقطع کنونی در سطح عالی و در چهارچوب راهبردی شورای عالی امنیت ملی دنبال می‌شود و شخص لاریجانی مأموریت مستقیم در این عرصه یافته است. به بیان دیگر انتخاب بغداد به‌عنوان ایستگاه اول، علاوه بر بُعد نمادین، حامل پیام عملی برای بازتعریف همکاری‌های امنیتی و تنظیم موازنه قدرت در غرب آسیاست. سفر لاریجانی به عراق، مجموعه‌ای از اهداف تحلیلی، هشدارهای امنیتی و سناریوهای مشترک برای آینده روابط دو کشور را در بر داشت. مهم‌ترین محور این سفر امضای توافقنامه امنیتی تازه میان تهران و بغداد بود که در آن علاوه بر موضوعات دوجانبه، به مسائل فراسرزمینی مانند تحرکات زمینی از شرق عراق و تحولات سوریه نیز پرداخته شد. از نگاه تهران، تهدیدهای ناشی از شرق عراق شامل بقایای گروه تروریستی داعش، امکان شکل‌گیری گروهک‌های جدید با گرایش تجزیه‌طلبانه و احتمال بهره‌گیری دشمنان از این بسترها برای ایجاد ناامنی در مرزهای ایران است. بر همین اساس، یکی از پیام‌های کلیدی لاریجانی به مقامات عراقی، ضرورت انجام اقدامات پیش‌دستانه برای مهار این تهدیدها پیش از هرگونه تحرک عملی علیه ایران بود.

در امتداد این نگاه، پرورنده سوریه نیز جایگاه برجسته‌ای در مذاکرات داشت. تمرکز نیروهای جبهه النصره به رهبری ابومحمد جولانی در مناطق مرزی مشترک منطقه‌ای عراق و لبنان تجزیه‌طلبانه و احتمال بهره‌گیری به همراهی احتمالی اسرائیل در ارزیابی تهران تهدیدی جدی تلقی می‌شود. این تحلیل که توسط بسیاری از کارشناسان لبنانی نیز تأیید شده، بر وجود یک سناریوی عملیاتی برای آغاز درگیری‌های مرزی دلالت دارد. داعش سوریه که هم‌مرز با عراق است، همچنان یکی از کانون‌های اصلی فعالیت داعش به شمار می‌آید. در این مناطق، نیروهای حشدالشعبی و ارتش عراق حضور فعال دارند و حتی فراتر از مرزهای رسمی عراق، برای پیشگیری از انتقال تهدید به خاک کشورشان عملیات انجام می‌دهند. از این رو، بند مهمی از توافقنامه امنیتی تهران-بغداد به همکاری در مهار تحرکات داعش در شرق سوریه و جلوگیری از سرایت آن به عراق اختصاص یافته است.



لاریجانی در دیدارهای فشرده با رئیس جمهوری، نخست‌وزیر و مشاور امنیت ملی عراق به گفت‌وگو نشست و در حضور نخست‌وزیر این کشور تقاهم‌نامه امنیت مرزی را با قاسم الاعرجی به امضا رساند؛ سندی که برآمده از نیاز مبرم دو کشور برای مهار تهدیدهای مشترک، بستن منافذ رخنه‌پذیری و مقابله با جریان‌های تجزیه‌طلب و تروریستی بود.

توافقی تازه‌ای که پیش‌تر با هدف تأمین امنیت مرزی به اجرا درآمده و خلع سلاح و انتقال اردوگاه‌های جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی از نوار مرزی را شامل می‌شد؛ توافقی که اجرای کامل و بی‌نقص آن از دید تهران ضرورتی برای جلوگیری از بازتولید تهدید است. در همین راستا انتخاب عراق به‌عنوان نخستین مقصد سفر خارجی لاریجانی معنای آشکار پیدا می‌کند؛ اینکه پیوندهای تاریخی، مذهبی، فرهنگی و اعتقادی دو ملت در کنار ضرورت‌های امنیتی و فشارهای بین‌المللی این رابطه را به نقطه‌ای رسانده که تعمیق و گسترش آن، بخشی جدانشدنی از راهبرد منطقه‌ای ایران شده است.



نظامیان آمریکایی در عراق، تحرک پراکنده هسته‌های تروریستی و تجربه مداخلات مستقیم و غیرمستقیم واشنگتن در تجهیز این گروه‌ها تصویری روشن از این واقعیت می‌سازد که امنیت تهران و بغداد همواره در معرض پروژه‌هایی است که هدف‌شان بی‌ثبات‌سازی و تضعیف توان دفاعی منطقه است. غرب و به ویژه آمریکا همزمان با حمایت از تروریسم در مسیر محدود کردن قدرت بازدارندگی کشورها گام برداشته و اقداماتی را از بمباران سامانه‌های پدافندی عراق گرفته تا فشارهای آشکار و پنهان برای خلع سلاح نیروهای مردمی و حتی کشودن جبهه‌های بحران تازه در مناطقی چون سوریه و خلیج فارس در دستور کار قرار داده‌اند.



تاکید کردند از جمله توافق بر سر برگزاری نشست مشترک ایران و عراق با شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک. از دیگر نکات قابل توجه، وجود اراده سیاسی قوی برای اجرای عملی تقاهم‌نامه‌ها و تعهدات امنیتی است. پیگیری توافقات حاصل از سفر دکتر پزشکیان به عراق در شهریور گذشته نیز یکی از اهداف مهم دیدارهای دکتر لاریجانی بود. گسترش روابط سیاسی و اقتصادی میان دو کشور، ایجاد کردیدورهای مشترک و توسعه همکاری‌های تجاری نیز در دستور کار قرار گرفت. حضور دکتر لاریجانی در برخی مواکب اربعین و مشارکت در خدمات‌رسانی به زائران، جلوه‌ای از دیپلماسی عمومی ایران به شمار می‌رود که جایگاه و نفوذ فرهنگی کشور را در عراق تقویت می‌کند.

در بخش دوم سفر، لبنان محور اصلی گفت‌وگوها و رابطنی‌ها بود. سیاست جمهوری اسلامی ایران همواره بر این اصل استوار بوده که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و مداخلات خارجی، بویژه از سوی قدرت‌های غربی، نه‌تنها کمکی به ثبات نمی‌کند بلکه غالباً موجب بی‌ثباتی و آسیب‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. در شرایطی که دولت لبنان تحت فشار خارجی بویژه از سوی ایالات متحده، طرح‌های همچون خلع سلاح حزب‌الله را مطرح کرده است، حضور فرستاده ارشد ایران پیامی روشن درباره حمایت تهران از استقلال،

تحولات سیاسی عراق نیز در این سفر جایگاه ویژه‌ای یافت. محمد الشیاع السودانی پس از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل و تجربه تهدید مستقیم از سوی آمریکا و اسرائیل، رویکردی نزدیک‌تر به تهران اتخاذ کرده است. این تغییر موضع در آستانه برگزاری انتخابات عراق می‌تواند برای ایجاد ثبات داخلی و حفظ موازنه قدرت در روابط با همسایگان حیاتی باشد.

یکی دیگر از موضوعات مهم مورد بررسی، قانون حشدالشعبی بود که اخیراً در پارلمان عراق مطرح شده و با مخالفت‌ها و حمایت‌های متفاوت میان جریان‌های شیعه، سنی و کرد مواجه شده است. این قانون شامل اعطای اختیارات گسترده به حشدالشعبی، تجهیز آن به تسلیحات مدرن، ایجاد مراکز آموزش نظامی و ارتقای جایگاه رئیس این سازمان به سطح وزیر است. برخی جریان‌های سیاسی، بویژه تحت تأثیر فشارهای خارجی، تلاش دارند جایگاه حشدالشعبی را تضعیف کرده و آن را در قالب ارتش عراق ادغام یا حتی منحل کنند؛ الگویی که مشابه با سناریوهای مطرح شده علیه حزب‌الله لبنان است.

در واکنش به این فشارها، مشورت‌های گسترده‌ای میان رهبران شیعه و گروه‌های مقاومت عراق با مقامات ایرانی صورت گرفته است. تهدیدات اخیر ایالات متحده و اسرائیل برای ترور فرماندهان این گروه‌ها نیز به حساسیت موضوع افزوده است. از این منظر، یکی از اهداف اصلی سفر لاریجانی، هماهنگی راهبردی درباره آینده حشدالشعبی و حفظ توان بازدارندگی آن در چهارچوب دفاع از حاکمیت ملی عراق بوده است. ابعاد نظامی-راهبردی سفر نیز قابل توجه است. یکی از محورهای پنهان اما مهم مذاکرات، نقش عراق در صورت وقوع روابرونی مستقیم میان ایران و اسرائیل بود. این موضوع شامل تصمیم‌گیری در خصوص همکاری نظامی، استفاده از آسمان عراق و هماهنگی عملیاتی احتمالی در چهارچوب دفاع مشترک منطقه‌ای است. از این منظر، یکی از اهداف اصلی سفر لاریجانی، بلکه حلقه‌ای کلیدی در زنجیره امنیتی از خلیج فارس تا مدیترانه محسوب می‌شود.

برآیند کلی این سفر را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد: اول، تثبیت همکاری‌های امنیتی و عملیاتی میان ایران و عراق به منظور مهار تهدیدات مشترک، بویژه از جانب داعش و گروهک‌های تروریستی-تجزیه طلب. دوم، همراستایی مواضع دو کشور در قبال بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه و لبنان، بویژه در مواجهه با طرح‌های خلع سلاح نیروهای مقاومت. سوم، ایجاد هماهنگی‌های سیاسی و نظامی برای مواجهه با سناریوهای احتمالی دیگری با رژیم صهیونیستی و متحدانش.